

می‌خواهند «دولتِ مستقر» را «دولتِ مستعجل» کنند	
غلامرضا بنی اسدی	
	
شهرمنده می‌کردند. دیدهام پلاکاردهایی که هدف را از ایستادگی در برابر دشمن به جبهه گرفتن در برابر این و آن تقلیل داده‌اند. عامدانه گفته‌ها و نوشته‌هاشان را بازخوانی نمی‌کنم اما متولیان امر را به خوانش وضعیت می‌خوانم چه اگر تدبیری نینادیشند، آن تدبیر موفق و دشمن شکن خود به تولید دشمنی در میان آحاد مردم تبدیل خواهد شد. اگر برای نقشه‌ها و نقش‌های سایه‌ها چاری اندیشیده نشود دور نخواهد بود که آفتاب بشود حسرت دور از دسترس ما. بزرگان یا به میدان بگذارند و توجیه کند اصحاب فرع نشین را. آگاهشان کنند که وجود سایه خود رهین اوضاع آفتابی است. آفتاب نباشد، سایه هم نخواهد بود و سایهی همه جا را خواهد گرفت. بگذریم. جنگی چنین سهمگین که ما گرفتارش شدیم. هر جا بود همه چیز را فرو بآشیدو بود اما ما ایستاده ماندیم با زخم‌های پرشمار. دشمن نتوانست ما را زیر آوار برد اما اصحاب فریعات انگار خود می‌خواهند آنچه را جبهه استکبار و صهیون نتوانسته نابود کند، فرو بیاشد. به سنگر بثنی اتحاد کشور که در برابر بمب‌های سنگر شکن سرفراز بیسرون آمد با موشک‌های پیلاندرانداز اختلاف و انتساقی حمله می‌کنند. خدا بخیر کند نتیجه را. خدا بخیر کند عاقبت ترجیح فرع بر اصل را. خدا بخیر کند امروز و فردای میهن را...	

عادی‌سازی زندگی بخشی از تاب‌آوری ملی	
دکتر مریم زارعیان	
	
نمی‌دانند چه زمانی و چگونه رخ خواهد داد. در چنین شرایطی، اضطراب و بی‌بینی نسبت به آینده افزایش می‌یابد و احساس کنترل بر زندگی کاهش پیدا می‌کند. انسان دیگر صرفاً با یک خطر مواجه نیست، با آینده‌ای مواجه است که نمی‌تواند درباره آن تصمیم بگیرد. در اینجا نقش راهبرد اهمیت پیدا می‌کند. رسانه در دوران جنگ وظیفه دارد جامعه را از واقعیت میدان آگاه کند، از گسترش شایعه جلوگیری کند و امکان مواجهه جمعی با بحران را فراهم آورد. اما با پایان جنگ، جامعه دیگر فقط به روایت تهدید نیاز ندارد، به روایت بازگشت نیز نیازمند است. از همین منظر، درباره صداوسمیما می‌توان پرسش کرد که آیا توانسته از منطق رسانه‌ای روزهای جنگ عبور کند؟ اگر برنامه‌هایی مانند «به وقت ایران» شبکه خبر در ساعات پریننده همچنان با ادبیات مواجهه دائمی پیش می‌روند، مسئله فقط محتوای این برنامه‌ها نیست، مسئله تصویری است که رسانه از وضعیت عمومی کشور می‌سازد. جامعه پس از جنگ به چیزی بیش از اخبار جنگ نیاز دارد. در کنار تصویر تهدید، باید تصویر زندگی نیز دیده شود. مدرسه و دانشگاه‌ها و فرهنگ، هنر و ورزش، سفر و فراغت، و شادی‌های کوچک و معمولی که در روزهای بحران نخستین چاره‌هایی هستند که به حاشیه رانده می‌شوند. مردم باید بتوانند دوباره برای آینده برنامه بریزند، کار کنند، درس بخوانند، عاشق شوند، سفر کنند، ببینند و بخندند. اینها تجملات زندگی نیستند، سازوکارهای بازسازی آن هستند. البته بازگشت به زندگی نه فوری است و نه به همان سرعت زندگی. جامعه‌ای که سوگوار است، به زمان نیاز دارد. بهت و اندوه، به‌ویژه پس از چنین حمله‌ای، یک‌شبه از میان نمی‌روند. از این منظر، شاید لازم باشد مفهوم تاب‌آوری ملی را از نو ببینیم. تاب‌آوری فقط توان تحمل ضربه نیست، توان بازگشت به زندگی پس از ضربه نیز هست. جامعه‌ای که بتواند پس از یک بحران دوباره اعتماد کند، سرمایه‌گذاری کند، خانواده تشکیل دهد، آموزش دهد، تولید کند، فرهنگ یافارند، در برابر بحران بعدی نیز نیرومندتر خواهد بود. بنابراین، انتخاب میان «هوشیاری» و «عادی‌سازی» انتخاب درستی نیست. مسئله، تمایز میان هوشیاری و اضطراب است. هوشیاری یعنی آمادگی برای آنچه ممکن است رخ دهد. اضطراب یعنی زندگی کردن گویی آنچه ممکن است رخ دهد، هر لحظه درحال وقوع است. اولی به تصمیم‌گیری کمک می‌کند و دومی، در صورت تداوم، آن را مختل می‌کند. از این رو، عادی‌سازی زندگی را نباید عقب‌نشینی از امنیت یا بی‌اعتنایی به تهدید تلقی کرد. برعکس، عادی‌سازی می‌تواند بخشی از سیاست تدبیر در معنای گسترده آن باشد، زیرا سرمایه روانی، اعتماد اجتماعی، سرمایه انسانی و پویایی اقتصادی نیز از منابع قدرت یک کشورند. اگر احتمال آید که زندگی آینده را جدی می‌گیریم، باید دقیقاً به همین دلیل از فرسوده شدن جامعه فاصله دو جنگ جلوگیری کنیم. نیروهای مسلح باید آماده باشند، دولت باید سناریوهای دشوار را روی میز گذاشته باشد اما مردم باید بتوانند برای فرای زندگی خود تصمیم بگیرند. در نهایت، دفاع از کشور فقط به معنای توانایی جنگیدن نیست، به معنای حفظ جامعه‌ای است که جنگ برای دفاع از آن ضرورت پیدا می‌کند. اگر جنگ بتواند بدون شلیک گلوله‌ای تازه، زندگی را برای مدت نامعلوم در انتظار و اضطراب نگه دارد، بخشی از هدف خود را محقق کرده است. آمادگی نیروهای مسلح برای دفاع از ایران ضروری است و مردم نیز پشتیبان و قدردان آنان هستند. اما کشوری که می‌خواهد در برابر تهدیدها تاب‌آور بماند، باید کمک کند مردمش زندگی کنند. جامعه می‌تواند هوشیار باشد، یا آنکه معلق بماند و آماده باشد، یا آنکه زندگی در آن شبیه پادگان شود.	

برای یک جریان «فرع»

چنان جای «اصل» را گرفته که در حاشیه هم جایی برای پرداختن به اصل نیست. چنان که اگر به اصل توجه دهی، چشمشان به سوت تو «براق» خواهد شد که انگار از دین خارج شده‌ای! نمی‌فهمد یا نمی‌خواهند بفهمند که اصل،

حفظ کِیان ملک و ملت است. اصل اسلام است اما اینان چنان در گیر جزئیات رفتارهای اجتماعی برخی از مردم هستند که «اصل» در مهجوریت قرار گرفته و نادیده می‌ماند. مستند به همین جزئیات نیز هر که چون آنان رفتار نکند را می‌کوبند. حتی از تحریف هم کوتاهی نمی‌کنند تا راه اتهام‌زنی برایشان باز باشد. نتیجه آن هم بزرگ‌تر شدن جزء از «کل» و اصل است. کیست که نداند امروز اصل، دشمن شناسی و ایستادن در مرزهای واقعی در برابر باطل صهیون است اما اینان براین اصل شریعی و عقلی شوریده و جناح مقابل را هدف گرفته‌اند و برخی «دولت مستقر» را می‌خواهند «دولت مستعجل» کنند حتی اگر در جنگی به این عملت در جایگاه خود، خوش درخشیده باشند. رفتارهای اجتماعی مورد انتقاد هم اسم رمز حمله به دولت است و متأسفانه برای این امر هم افراد موجه را با توجیهی نادرست به میدان می‌فرستند. من دیدهام کسانی را که با خشم و فریاد در این باره بلندگو‌ها را هم

بانک توسعه جدید، ظرفیت مشترکی برای تاب‌آوری اقتصادی اعضا بسازد.
تاب‌آوری اقتصادی بدون امنیت، پایدار نخواهد بود. تحولات منطقه ما و به‌ویژه تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، نشان داد که آثار هدف قرار دادن زیرساخت‌های اقتصادی، انرژی و توسعه‌ای یک کشور در مدت کوتاهی از مرزهای یک کشور فراتر رفته و تبعات منطقه‌ای و جهانی در پی داشته باشد. مردم ایران هزینه سنگینی برای این تجاوزات پرداخته‌اند. زنان و مردان، کودکان و غیرنظامیان جان خود را از دست داده‌اند و زیرساخت‌هایی که طی دهه‌ها برای توسعه کشور ساخته شده بود، آسیب دیده است. این وقایع یادآور مسئولیت سنگین جامعه بین‌المللی در قبال حمایت از غیرنظامیان و جلوگیری از عادی‌سازی حمله به اهداف غیرنظامی است.

مردم غزه و لبنان نیز همچنان با پیامدهای جنایات و نسل‌کشی روبه‌رو هستند. نمی‌توان از حقوق بین‌الملل سخن گفت اگر پاسخ مؤثر بین‌المللی به تجاوز نظامی، گسترش انسان‌ها و نابودی زندگی آنها داده نشود. از این‌رو، بریکس باید در دفاع از حاکمیت ملی، تمایت ارضی و ممنوعیت توسل به زور نیز نقش مؤثرتری ایفا کند.

دومین رکن، «همکاری» است. هیچ کشوری به تنهایی قادر به حل چالش‌های امروز جهان نیست. بریکس باید ظرفیت‌های پراکنده کشورهای جنوب جهانی را به ظرفیت مشترک تبدیل کند. در این میان، موقعیت ژئوپلیتیکی و ظرفیت انرژی و ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در توسعه مسیرهای تجاری و انرژی میان اعضا نقشی مؤثر ایفا کند.

رکن سوم، «پایداری» است. توسعه‌ای که نابرابری را افزایش دهد یا هزینه‌های امروز را بر دوش نسل‌های آینده بگذارد، پایدار نخواهد بود. نباید فراموش کنیم که جنگ یکی از عوامل جدی تخریب محیط‌زیست است. تجربه اخیر ایران نشان داد که آسیب به زیرساخت‌های انرژی و صنعتی، پیامدهایی فراتر از خسارت اقتصادی دارد و منابع طبیعی منطقه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در کنار این سه رکن، «دانش و نوآوری» نیز عاملی تعیین‌کننده است. بریکس باید اطمینان دهد که هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین ابزار سلطه نشوند، بلکه وسیله توانمندسازی ملت‌ها باشند. بریکس امروز صرفاً چارچوبی برای همکاری میان چند اقتصاد نوظهور نیست بلکه نشانه تقاضایی فراینده برای جهانی متوازن‌تر و فراگیرتر است که در آن هیچ مرکز قدرتی حق تعیین سرنوشت دیگران را نداشته باشد.

جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد در این مسیر، ظرفیت‌های خود را در اختیار همکاری‌های بریکس قرار دهد. تاب‌آوری بدون همکاری پایدار نمی‌ماند، همکاری بدون عدالت پایدار نیست و پایداری بدون صلح و امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود. بیایید بریکس را به بستری برای تبدیل این اصول به اقدام عملی تبدیل کنیم. آینده‌ای که در آن رشد، امنیت و توسعه برای همه امکان‌پذیر باشد، نه تنها ممکن است، بلکه مسئولیتی مشترک در برابر نسل‌های آینده است.

و چشم‌انداز زندگی نسل‌های آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران با طرح این پرسش که چگونه می‌توان از احترام به حق توسعه سخن گفت، درحالی که مردمی برای دهه‌ها تحت فشار و محدودیت اقتصادی قرار دارند و سپس در معرض تهاجم نظامی نیز واقع می‌شوند، تصریح کرد: میان صیانت از حق توسعه و حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

فرطوسی تأکید کرد: بزرگداشت چهلمین سالگرد اعلامیه حق توسعه نباید صرفاً به یادآوری یک سند تاریخی محدود شود، بلکه این مناسبت باید به نقطه‌ای برای بازنگری در سازوکارهای اجرای این حق و تقویت مسئولیت‌پذیری بین‌المللی تبدیل شود.
فرطوسی تأکید کرد: بزرگداشت چهلمین سالگرد اعلامیه حق توسعه نباید صرفاً به یادآوری یک سند تاریخی محدود شود، بلکه این مناسبت باید به نقطه‌ای برای بازنگری در سازوکارهای اجرای این حق و تقویت مسئولیت‌پذیری بین‌المللی تبدیل شود.

وی، حرکت از مرحله اعلام اصول به سمت اجرای واقعی و پاسخ‌گویی را ضروری و اساسی دانست و خاطرنشان کرد: کشورها و بازیگرانی که از طریق اقدامات قهری و غیرقانونی و تهاجم نظامی به مسیر توسعه ملت‌ها آسیب می‌زنند، باید در قبال پیامدهای اقدامات خود پاسخگو باشند.

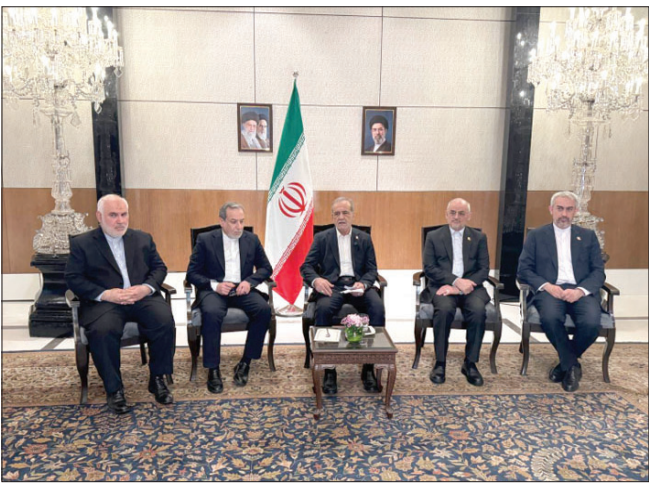
دیوان محاسبات کشور بااشاره به ضرورت اجرای تکالیف قانونی، وضعیت موجود را از حیث نظارتی، ترک فعل دانسته و تأکید داشته است که موضوع را وفق مقررات، مورد پیگیری و اقدام قانونی قرار می‌دهد.

خبر

رئیس جمهور در تشریح دستاوردهای سفر به هند و اجلاس بریکس:

کشورهای عضو به دنبال حاکمیت چند صدایی در جهان هستند

دکتر پزشکیان به دیدارهای انجام‌شده در حاشیه اجلاس با نخست‌وزیر مالزی، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی، رئیس‌جمهور مصر و ولیعهد ابوظبی اشاره کرد و از دستیابی به تفاهات تازه با این کشورها خبر داد.



رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه بریکس امروز صرفاً چارچوبی برای همکاری میان چند اقتصاد نوظهور نیست، گفت: بریکس نشانه تقاضایی فراینده برای جهانی متوازن‌تر و فراگیرتر است که در آن هیچ مرکز قدرتی حق تعیین سرنوشت دیگران را نداشته باشد.

دکتر مسعود پزشکیان، در نشست سران بریکس پلاس با موضوع «تاب‌آوری، همکاری و پایداری: شکل‌دهی آینده برای رشد فراگیر جهانی»، گفت: هیچ کشوری به تنهایی قادر به حل چالش‌های امروز جهان نیست. بریکس باید ظرفیت‌های پراکنده کشورهای جنوب جهانی را به ظرفیت مشترک تبدیل کند. در این میان، موقعیت ژئوپلیتیکی و ظرفیت انرژی و ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در توسعه مسیرهای تجاری و انرژی میان اعضا نقشی مؤثر ایفا کند.

در متن سخنرانی رئیس‌جمهور آمده است:
بسم‌الله الرحمن الرحیم
مایه خرسندی است که در اجلاس سران بریکس پلاس، در مقطعی حساس و سرنوشت‌ساز برای جامعه بین‌المللی، با شما سخن می‌گویم. از دولت و ملت هند و نخست‌وزیر محترم برای میزبانی این نشست و تلاش‌های صورت گرفته قدرانی می‌کنم. موضوع این نشست، یعنی «تاب‌آوری، همکاری و پایداری»، تنها یک شعار نیست،

این سه مفهوم، پاسخ به سه نیاز اساسی جهانی است که سرنوشت ملت‌هایش بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر پیوند خورده است. مسئله ما تنها مدیریت بحران‌های امروز نیست، بلکه ساختن نظامی است که ملت‌ها را در برابر بحران‌های آینده توانمندتر و جهان پیش‌رو را عادلانه‌تر کند. بریکس باید بخشی از پاسخ جهان به این ضرورت باشد.

تاب‌آوری یعنی برخورداری از ظرفیت لازم برای حفظ مسیر توسعه و استقلال تصمیم‌گیری، حتی در شرایط فشار. وابستگی بیش از اندازه به نظام‌های محدود مالی و تجاری، اقتصادها را در برابر شوک‌های سیاسی آسیب‌پذیر می‌کند. امروزه، تحریم‌های یکجانبه مسئله اقتصادی صرف نیستند، بلکه ساختن مستقیماً بر امنیت غذایی و رفاه مردم اثر می‌گذارند. از این‌رو، بریکس باید با توسعه تجارت به ارزش‌های ملی و تقویت

رئیس‌جمهور با بیان اینکه موضوعات مهمی که در بیانیه مورد تأکید قرار گرفت، محکومیت حمله به تأسیسات هسته‌ای و زیرساخت‌های غیرنظامی بود که کشور‌های عضو بریکس، ضمن مخالفت با چنین اقداماتی، خواستار خویش‌ن‌داری و احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور‌های خاورمیانه شدند.

دکتر پزشکیان با اشاره به جایگاه تجارت با ارزش‌های ملی در سخنرانی‌های سران اظهار داشت: یکی از موضوعات مهمی که اکثر سران کشور‌های حاضر بر آن تأکید داشتند، گسترش تجارت با ارزش‌های ملی و حرکت به سوی استقلال از نظام مالی غرب بود که برای تحقق این هدف، راهکارهایی درحال بررسی است تا کشور‌ها بتوانند مبادلات خود را با استفاده از ارزش‌های منطقه‌ای انجام دهند.

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه ساختارهای کنونی جهان نیازمند اصلاحات اساسی است خاطرنشان کرد: اصلاح نهادهای حکمرانی و مالی جهانی، از مطالباتی بود که در سخنرانی اکثر سران مطرح شد و مخالفت با اشغالگری نیز از محورهایی بود که هم در بیانیه اجلاس مورد تأکید قرار گرفت و هم در سخنان سران هند، روزه‌ب‌روز درحال گسترش است، می‌توان مسیر تازه‌ای را در نوع روابط و همکاری‌های دو کشور ایجاد کرد.

به گفته دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران، به رسمیت شناختن حق توسعه زمانی معنا پیدا می‌کند که جامعه بین‌المللی بتواند برای مولانی که عملاً ملت‌ها را از دسترسی به منابع، فرصت‌ها و زیرساخت‌های لازم برای توسعه بازمی‌دارد، راهکار‌های مؤثر و قابل اجرا ارائه کند.

وی در ادامه سخنان خود به پیامدهای

دکتر مسعود پزشکیان در پایان حضور در نشست سران بریکس در دلی نو، با اشاره به برگزاری نشست اعضای بریکس و کشورهای متقاضی پیوستن به این مجموعه اظهار داشت: اعضای اصلی بریکس ۱۱ کشور هستند و ۱۰ کشور دیگر نیز درخواست پیوستن به این مجموعه را مطرح کرده‌اند که در نشست مشترک با این کشور‌ها، گفت‌وگو‌های بسیار خوبی انجام شد.

دکتر مسعود پزشکیان در پایان حضور در نشست سران بریکس در دلی نو، با اشاره به برگزاری نشست اعضای بریکس و کشورهای متقاضی پیوستن به این مجموعه اظهار داشت: اعضای اصلی بریکس ۱۱ کشور هستند و ۱۰ کشور دیگر نیز درخواست پیوستن به این مجموعه را مطرح کرده‌اند که در نشست مشترک با این کشور‌ها، گفت‌وگو‌های بسیار خوبی انجام شد.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه تمام تلاش هیئت‌جمهوری اسلامی ایران بر تبیین مواضع کشورمان و پیگیری اهداف تعیین‌شده برای این اجلاس متمرکز بود افزود: محور‌هایی که در این دوره از اجلاس مورد توجه قرار گرفت، شامل تاب‌آوری، نوآوری، همکاری و پایداری بود که هر یک از کشور‌های حاضر، دیدگاه‌های خود را درباره چگونگی تحقق این اهداف مطرح کردند.

پزشکیان با اشاره به اینکه ضرورت افزایش تاب‌آوری کشور‌ها و مقابله با تک‌صدایی از محور‌های مشترک سخنان سران بود ادامه داد: کشور‌های حاضر تأکید داشتند که باید برای شکل‌گیری جهانی چندقطبی تلاش شود، زیرا همه کشور‌هایی که در نشست‌ها و گفت‌وگو‌ها حضور داشتند، از زور‌گویی‌ها و اقداماتی که در جهان صورت می‌گیرد، ناراضی بودند و انتظار خود را از این رویکردها اعلام می‌کردند.

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه تقویت همکاری‌های متقابل می‌تواند به افزایش توان کشور‌ها برای مقابله با فشار‌ها کمک کند تصریح کرد: در این اجلاس تلاش شد کشور‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و تجاری به یکدیگر کمک کنند که در همین راستا، گفت‌وگو‌های بسیار خوبی نیز میان سران کشور‌های حاضر انجام گرفت.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه شرایط تفاهات انجام‌شده باید در مسیر‌های تعیین‌شده پیگیری شود تصریح کرد: ارتباطات بشردوستانه با ایران داشتند، مقرر شد دکتر عراقچی و وزیر امور خارجه هند درباره جزئیات موضوع گفت‌وگو کنند و تعاملات لازم را برای پیگیری توافقات انجام‌شده ادامه دهند.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه جزئیات تفاهات انجام‌شده باید در مسیر‌های تعیین‌شده پیگیری شود تصریح کرد: ارتباطات همکاری‌های ایران و هند به توسعه روند همکاری‌های ایران و هند خاطرنشان کرد: با توجه به همکاری‌های خوبی که مقامات هند برای گسترش ارتباطات بشردوستانه با ایران داشتند، مقرر شد دکتر عراقچی و وزیر امور خارجه هند درباره جزئیات موضوع گفت‌وگو کنند و تعاملات لازم را برای پیگیری توافقات انجام‌شده ادامه دهند.

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه ساختارهای کنونی جهان نیازمند اصلاحات اساسی است خاطرنشان کرد: اصلاح نهادهای حکمرانی و مالی جهانی، از مطالباتی بود که در سخنرانی اکثر سران مطرح شد و مخالفت با اشغالگری نیز از محورهایی بود که هم در بیانیه اجلاس مورد تأکید قرار گرفت و هم در سخنان سران هند، روزه‌ب‌روز درحال گسترش است، می‌توان مسیر تازه‌ای را در نوع روابط و همکاری‌های دو کشور ایجاد کرد.

به گفته دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران، به رسمیت شناختن حق توسعه زمانی معنا پیدا می‌کند که جامعه بین‌المللی بتواند برای مولانی که عملاً ملت‌ها را از دسترسی به منابع، فرصت‌ها و زیرساخت‌های لازم برای توسعه بازمی‌دارد، راهکار‌های مؤثر و قابل اجرا ارائه کند.

بیش از یک سال از دستور رئیس‌جمهور، سازمان بهینه سازی و مدیریت راهبردی انرژی همچنان از حیث استقرار ساختار و عملیاتی‌سازی مأموریت‌ها، در تراز مأموریت قانونی خود مستقر نشده است.

دیوان محاسبات کشور نسبت به عدم استقرار کامل سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی و رسوب ۳۱ هزار میلیارد تومانی منابع تذکر داد.

دیوان محاسبات تأکید کرد: علیرغم گذشت

دیوان محاسبات:

سازمان بهینه‌سازی انرژی در تراز مأموریت قانونی خود مستقر نشده است

این دیوان افزود: در این شرایط، حدود ۳۱ هزار میلیارد تومان منابع این سازمان، به جای تبدیل شدن به اهرمی برای رفع ناترازی انرژی و حمایت از طرح‌های واقعی صرفه‌جویی، رسوب کرده و موجب بلاتدر ماندن ظرفیت‌های قانونی

شده است. عدم شکل‌گیری سازوکار مؤثر بازار گواهی‌های صرفه‌جویی و عدم پذیرش و تنفیذ طرح‌های واقعی صرفه‌جویی، علاناً مانع تحقق اهداف مقنن و موجب فاصله گرفتن از احکام قانون شده است.